

حافظه

نه من ز بی عملی در جهان ملولم و بس
ملاطت علما هم ز علم بی عملی است

صحفا: از علیرضا بهرامی

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
مدیریت: سردبیر: دانا نیل معمار
دبیر تحریریه: سید محمدحسین صادقی
معاونان: سعیدعلی، علی، عماد
شهرام، فرهنگ، علی، عماد
شاهین امین، حامد، فوکانی
مدیر فنی: حامد بزداغی
مدیر هنری: مهدی سلامی
دبیر عکس: امیر باباییور

سیاسی و دیپلماتیک: مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار: مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
دیپوز: مریم باقریور

ایرانشهر: مدیر: زهرا عباسی
تدریس: مدیر: سعید محمدی
مدیر: مریم سرخوش

جامعه: مدیر: زهرا عباسی
گزارش: مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
سیما و تلویزیون: مدیر: جواد عزیزتی
داستانها: مدیر: سعید جعفری
سرمزین من: مدیر: ساسان شادمان
طرح و گرافیک: مدیر: محمد باباییور

یادداشت

آب ناب میکده

علیرضا زمانی

آن روز گار که شاه طهماسب دست لطفش را بر خاک تهران کشید و به آن مرکزیت داد، تنها یک قنات مهرگرد ارگ بود و یک سرچشمه عودالجان و یک آب‌پخش کن سنگلج که آب پایتخت را تأمین می‌کرد. اما با پایتخت شدن تهران نیاز به آب هم بیشتر شد. برای همین خیران شهر به فکر افتادند و قنات‌هایی برای همشهریان حفر و وقف کردند. قنات حجاج علیرضا و شاه فرمانفرما یکی پس از دیگری در دل خاک تهران هستی یافتند و آب زلال بیشتری به تهران تشنه لب منتقل کردند. آب قنات فرمانفرما از همه بهداشتی تر بود و آب قنات شاه از همه گوارا تر. آن وقت ها بیشتر خانه‌ها آب‌انباری داشتند که به همت میراب محله سیراب می‌شد. به جز اینها، چند آب‌انبار بزرگ هم در شهر وجود داشت که وقف عام بود. بزرگ‌ترین آب‌انبار شهر را میرزا موسی وزیر کتار امامزاده سید اسماعیل ساخته بود. به جز این قنات‌ها که هر روز به تعدادشان افزوده می‌شد، آب رود کرچ را هم به تهران آوردند. حاج میرزا آقاسی که به سبب آبادانی ۴۰۸ روستا و احداث قنات‌های بی‌شمار باید آبادگر بزرگ قاجار بنامیش، با احداث نهر کوچکی آب کرچ را به سمت تهران هدایت کرد. بعد امیرکبیر و سپس در دوره پهلوی اول قدر قدرت آبی درست و حسابی از رود کرچ به تهران انتقال داده شده هر چند این انتقال به کم شدن آب شهریار انجامید و شهر یاری‌ها جور بی‌آبی تهرانی‌ها را بردوش کشیدند. با این احوال، این آب‌ها کفاف اهالی روزافزون تهران را نمی‌داد. کم‌کم آب قنات شاه را که گوارا بود، در شبکه‌هایی بسته‌بندی کردند و مثل آب معدنی‌های امروزی، فقط مخصوص آشامیدن اهالی به فروش رساندند. بعد از مدتی هم برای برخی محله‌ها لوله‌هایی کشیدند و با تلمبه فشاری که با یکی دو دکمه آب را می‌کشید و می‌آورد سر کوچه‌ها، موقتاً مشکل روزافزون آب را حل کردند. اما این چاره کار نبود و بالاخره طرح لوله‌کشی آب تهران که از زمان رضاشاه مطالعاتش آغاز شده بود، به تصویب رسید. با یک نقشه خیابان‌ها کشیده شد و لوله‌های آب در دل خاک قرار گرفت. اما مردم که چشمشان از نمی‌خورد این طرح به جای برسد، در نبود تلگرام، خود شروع به جوک شعر ساختن کردند. حتی ملبو عانچی‌ها هم وارد کارزار شدند و روزی نبود که طنز و کارکاتون در روزنامه‌ها در این باره به چاپ نرسد. با این حال دولت وقت از رونق و عاقبت این طرح را در ۱۳۳۴ شمسی افتتاح کرد. محمدعلی خان میکده از نخستین مدیران لوله‌کشی و آذاره آب بود که زحمات زیادی در این راه کشید. بعد از مرگش و به احترام امیر مرد بزرگ، نامش را بر یکی از خیابان‌های جنب سازمان بلوار کشاورز امروز و البرزیت قدیم گذاشتند. اما انقلاب که شد، همه نام مهندس میکده را فراموش کرده بودند و هر کوچه و خیابان و مکان و فروشگاه‌ها را که نامش مربوط و منتسب به می و باده می‌شد از عرصه هستی حذف کردند. از این رو این خیابان هم مشمول این قانون نانوشته شد و به ظن اینکه این خیابان بورس میکده‌های تهران بوده نامش را تغییر دادند. حال که ۶۰ سال از لوله‌کشی تهران و خدمات درخشان مهندس میکده و همکارانش می‌گذرد، روستا بر روان این مرد آب و تهران که بی‌نامه تهرانی‌ها را با آب گوارای دامنه کوهستان البرز لبالب کرد، درودی بفرستیم و به احترامش صرفه‌جویی آب ناب میگون شهر را در گوشه‌ای از سبک زندگی هایمان بگنجانیم.

تهران نامه



کوچه‌ای با ۱۲ ایوان

یکی از کوچه‌های پرخاصه اهالی کن، کوچه ۱۲ ایوان است. این کوچه که امروز در میان باغ‌های شخصی محصور است، روزگاری کاروانسرای مشهوری برای استراحت رهگذران و مردم روستاهای بالادست به‌شمار می‌رفت. جالب اینکه به‌خاطر وجود جوی پسر آب کن در جوار این کاروانسرا، آسیابی هم در زمان‌های دور در آنجا مشغول فعالیت بود. این کاروانسرا ۱۲ ایوان داشت و محل استراحت مسافران بود که از روستاهای حرم البرز همچون سولقان، وردیج، گیگا و امامزاده دود(ع) می‌آمدند و شب را در این کاروانسرا می‌گذراندند. در حقیقت این کاروانسرا تنها محل استراحت مسافران محسوب می‌شد. نکته قابل تأمل درباره این کوچه این است که برخی اهالی به آن دوازده‌امام می‌گویند که به‌نظر وجه تسمیاهی ندارد. این موضوع به این دلیل است که چون کن محل‌های مذهبی بوده، برخی معتقدند ۱۲ ایوان این کاروانسرا به نیت ۱۲ امام ساخته شد. با این حال، این کوچه در حال حاضر به خیابانی به نام ۱۲ امام تبدیل شده است. ساخت‌وساز اطراف این کوچه شکل اولیه آن را برهم زده است. از طرفی، دورتادور کاروانسرای ۱۲ ایوان نیز دیوار کشیده شده و دیگر برای عموم قابل‌رویت نیست.

پاتوق چهارفصل تهران

گشت و گذار در دربند زمستانی که زیبایی‌های خاص خودش را دارد

برای اهالی تهران عزیز است. بسیاری از گردشگران داخلی و خارجی هم بازدید از دربند و یا کوهنوردی از مسیرش را حتما در لیست سفر خود دارند. ویژگی اصلی این محدوده چهارفصل بودن آن است، با این حال زمستان‌های دربند حال و هوای دیگری دارد؛ هوای خنک، مطبوع و برف که حسابی حالتان را خوش می‌کند.

نخستین پیشنهاد خیلی‌ها برای گردش در پایتخت، دربند است. درست است که تهران پر است از مکان‌های دیدنی و جاذبه‌های مختلف گردشگری، اما دربند با ترکیبی از طبیعت کوهپایه‌های تهران به همراه رستوران‌ها و استراحتگاه‌های سنتی تبدیل به یکی از بهترین نقاط شهر شده

فاطمه عباسی



بیلای محبوب

بسیاری از اهالی قدیمی دربند اعتقاد دارند که حدود ۲۰۰ سال قبل افرادی از طاقان به این منطقه کوچ کردند و با تشکیل خانواده در این محله دربند تهران را بنیان نهادند. در دوره قاجار که تهران پایتخت ایران شده بود، دربند به بیلای دلخواه برای پادشاهان و شاهزادگان تبدیل شد و آنها بتا هم ناصرالدین‌شاه دستور ساخت یک عمارت ناهارخوری را در این محله صادر کرد. هنوز هم دربند یکی از محبوب‌ترین پاتوق‌های تهرانی‌هاست و به دلیل آب و هوای تمیز و بکسر بناهایی برای فراز از شلوغی، تفریح و آلودگی‌های شهر شناخته می‌شود. این محله قدیمی همه‌چیز را برای تفریحی ناب و استراحتی کوتاه فراهم کرده است: از رودخانه پر آب و کوچه‌های قدیمی گرفته تا رستوران‌های پرنور و رنگارنگ همگی آماده‌اند تا فضای دور از هیاهوی شهر را برای شما بسازند.

مکت



کوهنوردی

مسیر دربند به قله توجال از پرطرفدارترین مسیرهای کوهنوردی تهران است که علاوه‌مندان اغلب صبح خیلی زود راهی آن می‌شوند. برای کوهنوردی در دربند می‌توانید از میدان سریند به سمت توجال حرکت کنید یا بخش ابتدایی مسیر را با استفاده از تله‌سیز بیمایید. در طول راه علاوه بر روستای پس‌قلعه با آبشار دوقلو و بناهگاه شیربلا مواجه خواهید شد که لذت این کوهنوردی را مضاعف می‌کنند. همچنین کوهستان‌های صخره‌ای دربند و مناطقی مانند بند یخچال از مکان‌های مناسب برای ورزش سنگنوردی هستند. جالب است بدانید که دربندشهر را کوهستان دارد و با وجود این، کوهنوردان پیش از عزت‌میز بهتر است از وضعیت مسیر کوهستان مطلع باشند.

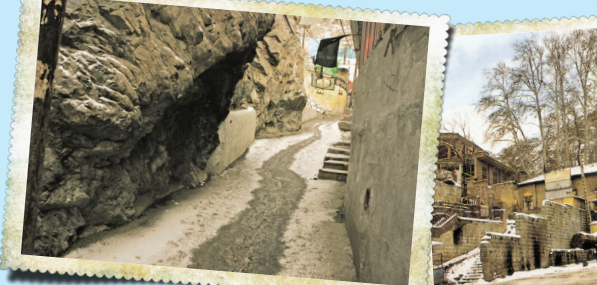
گردش در شب

دربند یکی از جاهای دیدنی شبانه تهران است و بسیاری از افراد شب‌ها را برای گشت‌وگذار در آن انتخاب می‌کنند؛ به‌خصوص که جسراغ تمام‌کافه‌ها، رستوران‌ها و مغازه‌های حسابی مسیر را روشن و جذابیت حضور در این منطقه را دوچندان می‌کند. ضمن اینکه دربند با توجه به میزبانی از تعداد زیادی از گردشگران امکانات رفاهی مناسبی هم مثل مرکز درمانی، سرویس بهداشتی، نمازخانه، بناهگاه و هتل دارد تا خیال گردشگران از بابت همه‌چیز راحت و آسوده باشد.



شکم گردی

از میدان دربند مسیری به مسافت حدود ۲۵۰ متر پیش روی شماست که انواع و اقسام مغازه‌ها در همین محل فعالیت می‌کنند. اینجا تمام مغازه‌ها و فروشگاه‌های خیابانی به فروش خوراکی‌های خوشمزه و هوس‌برانگیز از لواشک و ترشک تا باقالی پخته، لیو و... مشغول هستند. به‌طور کلی دربند به‌خاطر همین خوراکی‌های خیابانی معروف است. به هر طرف که سر بچرخانید کافه، جایگاه و رستوران می‌بینید که اغلب مملو از مشتری است.



مسیر دسترسی

وسایل نقلیه عمومی: برای رفتن به دربند گزینه‌های مختلفی از ماشین شخصی تا اتوبوس، مترو و تاکسی پیش روی شماست. در حالت ایده‌آل ابتدا خود را به میدان تجریش برسانید که برای این منظور می‌توانید از خط متروی گهری بزرگ - تجریش، اتوبوس‌های بی آر تی راه آهن - تجریش یا تاکسی‌های شهری استفاده کنید. از میدان تجریش هم می‌توانید با کمک تاکسی‌های خطی راهی دربند شوید که شما را در میدان سریند پیاده می‌کنند. خودروی شخصی: در صورتی که با ماشین شخصی عازم دربند هستید، ابتدا به میدان تجریش و سپس خیابان دربند بروید. ماشین خود را در میدان سریند یا خیابان منتهی به آن پارک و باقی‌مسیر را پیاده طی کنید.

مجسمه معروف

یکی از نمادهای قدیمی میدان دربند مجسمه‌ای ۳ متری است که سال‌های سال به تماشای رهگذران ایستاده و به نوعی نماد کوهنوردان ایرانی است. مدل این مجسمه «امیر ششاه قدمی» معروف به «شاه بابا» بود که آن زمان به‌عنوان مربی کوهنوردی، اسکی و گروهبان از تیش ایران فعالیت می‌کرد. علت انتخاب شاه‌قدمی برای این مجسمه به همکاری او در نجات سرنشینان یک فروند هواپیمای ساقط‌شده در ایران مربوط می‌شود. مجسمه برای بار نخست سال ۱۳۲۸ در میدان سریند قرار گرفت. با این حال بخش‌هایی از این تندیس به‌دلیل بارندگی و سرمای زمستان تخریب شد، بنابراین «رضا لعل ریاحی» مجسمه‌ساز این اثر، ساخت آن را این بار با سیمان آغاز کرد و سرانجام این تندیس به شکل امروزی سال ۱۳۴۱ وسط میدان نصب شد.

از مرغ محله تا آبشار دوقلو

از محله‌های قدیمی دربند می‌توان به مرغ محله (مغ‌محله)، کلاغ‌پر، کنار محله و سرسپند اشاره کرد، ضمن اینکه آبشار دوقلو که یکی از زیباترین آبشارهای شمیرانات است نیز در این منطقه واقع شده است و کوهنوردان برای استراحت کنار آن آبشار توقف می‌کنند. دره اوسون و امامزاده ابراهیم(ع) نیز از جاذبه‌های گردشگری اطراف دربند تهران هستند.

سلطنت آباد سقوط کرد!



سیدروش طباطبایی پور

تیر روزنامه کیهان ۴۶ سال پیش در چنین روزی این بود: «سلطنت آباد سقوط کرد!» و در ادامه نوشته بود، مردم مسلح، ساواک سلطنت آباد را محاصره کرده‌اند. اما مگر سلطنت آباد کجا بود که از سقوطش، مردم خوشحال بودند؟ در اینجا به سلطنت آباد می‌پردازیم و تاریخش را مرور می‌کنیم.

انگیزه تأسیس کاخ

وقتی کاخی بنا می‌شود، البته کوخی فرو می‌ریزد و این قصه، در دوران سلطنت شاهان قاجار و پهلوی فراوان رخ می‌داد. یکی از آنها، کاخ جهان‌نما بوده؛ عمارتی در شمال تهران که ناصرالدین‌شاه، آن را ساخت؛ اما چندان به دلش نشست؛ چون وقتی از آنجا به شمال می‌نگریست، فقط کوه می‌دید و دلش می‌گرفت؛ شاه ایران، دلش نمی‌خواست سوی چشمانش به کوه محدود شود؛ یا به زبان امروزی، جناب شاه، ویوی ابدی می‌خواست. همین انگیزه، باعث شد سنگ‌بنای عمارتی دیگر در تهران به نام شاه قاجار زده شود و کاخ سلطنت آباد متولد شود.

تاریخ سلطنت آباد

ناصرالدین‌شاه، روستای سلطنت آباد را در شمال شرق تهران برای ساخت کاخش در نظر گرفت؛ روستایی بیلای در شمال خیابان پاسداران کنونی که در نقشه‌های گذشته، در شرق رستم‌آباد، میان ازگل در شمال و لویزان در جنوب قرار داشت. جناب شاه برای ساخت کاخش، اراضی وسیعی را در این روستای مرتفع تصرف کرده؛ انقدر که سلطنت‌آباد، بزرگ‌ترین کاخ بیلای قاجار شد. ساخت این بنا در سال ۱۳۰۵ قمری به پایان رسید؛ اما جناب شاه خبر نداشت که به رسم طبیعت، تنها ۱۸ سال دیگر اجل به او فرصت داد تا از حضور در این کاخ لذت ببرد.

وبرائی

بر خلاف تصور که حضور شاه و رفت‌وآمدهای او به چنین مناطقی رونق می‌دهد، معمولاً برکت از آن مناطق کوچ می‌کند. به این دلیل که معمولاً نخستین کار عوامل شاه، کوچاندن روستاییان از زمین‌های کشاورزی و باغ‌هایشان بود. حتی برای سیراب کردن کاخ سلطنت‌آباد، شاه رشته قنات‌هایی را که به سمت روستای اصفهانک در نزدیکی دولا ب در مرکز تهران می‌فت، ضبط و مسیرشان را به سمت سلطنت‌آباد منحرف کرد که باعث خشکسالی در آن روستا شد. چون سلطنت‌آباد، خارج از شهر هم بود و شاه مجبور بود با کالسکه به آنجا سفر کند، راه‌ناهموار و سنگ‌های ریز و درشت، خاطر او را از زده می‌کرد، پس دستور داد کلی از مزارع سر راه را ویران کنند و در آن راه شوشه سلطنتی بسازند که بهترین فناوری راهسازی آن روزگار در ایران بود. این مسیر، همان خیابان پاسداران این روزهای تهران است.

عاقبتش

مجموعه کاخ‌های سلطنت‌آباد از یک کاخ دو طبقه بیرونی، برج چندطبقه اندرونی با حیاط و حوضخانه‌ای مستقل، کلاب‌رنگی، برج ساعت، برج کیوتر خانه، ساختمان تکیه و... تشکیل شده بود. کاخ سلطنت‌آباد، بعد از انقراض دودمان قاجار، به مرور تخریب شد و در بهترین شرایط و در دوره پهلوی اول، بخشی از آن، دفتر ولیعهد شد. رویدادهای مهمی چون تاجگذاری احمدشاه و محاکمه دکتر مصدق بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شمسی در همین کاخ اتفاق افتاد. بد نیست بدانید اراضی سلطنت‌آباد در دوره رضاشاه در اختیار ارتش قرار گرفت که به بهانه ساخت کارخانه مهمات‌سازی، ساختمان‌های جدیدی ساخته و ساختمان‌های قدیمی تخریب شد. در دوره پهلوی دوم، تهران دیگر گسترش یافته بود و گروهی از اعیان، سلطنت‌آباد آن روزها یا همان خیابان پاسدارانی که به کاخ ختم می‌شد، خانه ساختند. از این بنا اکنون تنها عمارت حوضخانه، تالار آینه و برج سلطنت‌آباد به جا مانده است.

